

[استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا 1](#_Toc526320249)

[بررسی کلام صاحب معالم و نکته کلام مرحوم اخوند 1](#_Toc526320250)

[بررسی نکته مرحوم اخوند در بحث تثنیه و جمع 2](#_Toc526320251)

[بررسی کلام صاحب معالم نسبت به مثال ایشان 2](#_Toc526320252)

[کلام محاضرات 2](#_Toc526320253)

[کلام استاد 2](#_Toc526320254)

**موضوع**: بررسی اقوال /استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در تتمه کلام بود در بحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا. مرحوم اخوند بعد از بیان مختارش به رد مرحوم میرزای قمی پرداخت مرحوم قمی فرموده بود استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا عقلا جایز است ولی در لغت جایز نیست در حالی که مرحوم اخوند فرمود عقلا محال است و اینکه قید وحدت در ان اخذ شده باشد تا در لغت جایز نباشد درست نیست زیرا قید وحدت اخذ نشده است. علاوه بر این کار واضع که لازم الاتباع نیست و بالاتر از خود وضع که نیست و ما میتوانیم ان را در غیر معنای موضوع له استعمال کنیم. و همچنین کلام صاحب معالم را مورد نقض و ابرام قرار داد.

# استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا

## بررسی کلام صاحب معالم و نکته کلام مرحوم اخوند

ایشان میفرماید که استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا جایز است منتها در مفرد به صورت مجاز و در تثنیه و جمع حقیقت است. مرحوم اخوند میفرماید اولا قید وحدث در موضوع له اخذ نشده است که مفاد ادعای صاحب معالم است و ثانیا اگر قید وحدث اخذ شده باشد حق با میرزای قمی است که در بیشتر از یک معنا غلط است نه مجاز. زیرا مقید با خالی از قید تباین دارد همان طوری که در اقل و اکثر فرموده اند و میفرمودند که نماز مطلق با نماز با طهارت متباین هستند حال اگر معنای عین همان چشم به قید وحدت باشد اگر در غیر ان نیز استعمال بشود غلط به وجود میاد چون این دو با هم مباین هستند اگر هم میتوان لفظ وضع شده برای کل را در جزء میتوان استعمال کرد فقط در مرکبات است و ان جزء نیز باید رئیسه باشد.

ما قبول میکنیم که ذات مطلق یک حقیقت است و مقید نیز یک حقیقت دیگری است ولی از متباینین که بالاتر نیست در وضع میتوان استعمال مجازی داشته باشیم پس یک اشکال بیشتر بر صاحب معالم وارد نیست و اینکه مجازیت پیش نمیاد درست نیست.

### بررسی نکته مرحوم اخوند در بحث تثنیه و جمع

ایشان فرمود هیئت تثنیه برای دلالت بر تعدد ما ارید از مفردش وضع شده است اگر از عین مفرد باکیه اراده شد عینان نیز از همان اراده شده است بعد در اعلام شخصیه فرمود منظور از زیدان المسمیان بزید است

ولی به ذهن میاید که این ادعا خلاف ارتکاز است ما در زیدان این گونه ارتکازی نداریم و همان طوری که رجلان تثنیه دو رجل است زیدان نیز دو تا زید است نه دو مسمای زید باشد فلذا ما دلیلی نداریم که هیئت تثنیه برای تعدد ما ارید از مفردش وضع شده باشد منتها غالب موارد تثنیه ها تعدد ما ارید مفرد است و چون معنا طبیعت است منطبق بر دو فرد میشود ولی در اعلام متعدد از معنای مفرد نیست بلکه مجرد متعدد در مقابل مفرد است اینکه ما بگوییم تثنیه برای ما ارید از مفرد است درست نیست برای برای مجرد تعدد وضع شده باشد که قابل صدق بر همه تثنیه ها بشود.

### بررسی کلام صاحب معالم نسبت به مثال ایشان

مرحوم اخوند میفرماید: اگر ما بگوییم عینان و دو تا عین باکیه و دو عین جاریه استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا است و ادعای صاحب معالم که استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا نیست منتها دلیل ایشان این مطلب خودشان را اجازه نیمیدهد چون گفتند تثنیه در قوه تکرار است و چهار تا در قوه تکرار نیست.

#### کلام محاضرات

ایشان میفرماید: اگر عینان گفته شود و اراده چهار معنا شود باز هم استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا نیست زیرا هیئت تثنیه وضع شده است برای دو تا تعدد و در صورتی که چهار معنا اراده شود که دو تا تعدد نیست و هیئت تثنیه در یک دو تا استعمال شده است منتها هر عین دو طرف دارد مانند عشرین که در دو تا عشره است و یک تعدد ده تاست.

##### کلام استاد

لازمه کلام مرحوم خویی این است که ما هیچ گاه نمیتوانیم تثنیه را در بیش از یک معنا استعمال کنیم فلذا ما کلام مرحوم اخوند را به نحوی بیان میکنیم که اشکال مرحوم خویی بر ایشان وارد نباشد

اینکه مرحوم اخوند میگوید عینان اراده چهار شود استعمال لفظ در بیشتر یک معنا میشود مرادش این است که عینان که هیئت تثنیه دارد همین هیئت مراة باشد برای دو تا جاریه و دو تا باکیه یعنی دو تا دو تا. و این استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا است

خلاصه مرحوم اخوند که میگوید عینان چهار تا است نه از این باب که هر عینی دو تا معنایش شود بلکه مقصود دو تا دو تا است.

تحصل الی هنا اینکه استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا جایز هست یا نه؟ برگشتش یا به قضیه فنا است یا به قضیه لحاظ است که فنا هم همان لحاظ است منتها مرحوم نائینی و مرحوم اغا ضیا کلمه لحاظ را گفته اند که البته مرحوم اغا ضیا خصوصیات خودشان را در نظر گرفته اند و قضیه فنا را مرحوم اخوند فرمود و ان را به مراة تنظیر کرده است که مرحوم اغا ضیا برای توضیح کلام ایشان همین مراة را به کار برده است ولی به نظر ما این گونه نیست بلکه دو وجود جدا هستند و از زاویه یک لفظ چند معنا را میشود بررسی کرد